

# کاربرد نسبت‌های مالی از دیدگاه سرمایه‌گذار خارجی

## قدرت‌آ... طالبی

### مقدمه

تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی امروزه ابزار خوبی برای ارزیابی اجرای عملیات مالی، تجزیه و تحلیل وضعیت اعتباری و تعیین ارزش اوراق بهادار شرکتهاست. این نسبتها توسط سرمایه‌گذاران، اعتبار دهندگان و شرکتهای مشاوره مدیریت در تعیین ارزش اوراق بهادار بکار برده می‌شود. گرچه این نسبتها ممکن است برای اندازه‌گیری کارایی، ریسک، و سودآوری شرکتهای مفید باشد اما نمی‌توان از آنها با مفاهیم واحدی در تمام کشورها استفاده نمود، به عبارت دیگر کاربرد آنها در تمام کشورها یکسان نیست و با یکدیگر تفاوت دارد. اختلاف در کاربرد نسبت‌های مالی در کشورهای گوناگون بیشتر ناشی از قوانین و مقررات موجود و مجاز بودن حسابداران به انتخاب رویه‌های مختلف حسابداری و گوناگونی ساختار تأمین منابع مالی شرکتهاست، گرچه اصول اساسی حسابداری در تمام کشورها مشابه است ولی سیستم حسابداری آنها اغلب با یکدیگر فرق می‌کند، همانطور که سیستم حسابداری صنایع مختلف یک کشور با یکدیگر تفاوت‌هایی دارد.

در این مقاله سعی شده است که کاربرد نسبت‌های مالی توسط سرمایه‌گذار بالقوه خارجی

(مثلاً امریکایی) در کشورهای انگلستان، سوئد، ژاپن، آلمان، فرانسه، ایتالیا و ایران مورد بررسی قرار گیرد. این بررسی‌ها با توجه به اختلاف در قوانین و مقررات حاکم بر حرفه حسابداری و مجاز بودن حسابداران به انتخاب رویه‌های متفاوت حسابداری در مورد اندازه‌گیری داراییها، بدهیها، ارزش حقوق صاحبان سهام، سود و تهیه صورتهای مالی تلفیقی و همچنین اختلاف در ساختار تأمین منابع مالی و عوامل نهادی و فرهنگی و محیطی تأثیرگذار بر نسبتهای مالی، انجام شده است.

در این مقاله مدل GAAP<sup>1</sup> امریکا بعنوان معیاری برای مقایسه و تجزیه و تحلیل صورتهای مالی شرکتهای خارجی در نظر گرفته شده است؛ چون امریکا در حال حاضر یکی از منابع اصلی تأمین مالی برای شرکتهای خارجی بشمار می‌رود.

این مقاله از دیدگاه یک سرمایه‌گذار بالقوه خارجی که می‌خواهد ریسک خود را از طریق خرید سهام شرکتهای خارجی در بازار داخلی کم نموده یا به عبارت دیگر بازده خود را زیاد کند، ارائه می‌گردد.

## اختلاف در مجاز بودن حسابداران به انتخاب رویه‌های متفاوت حسابداری و تأثیر آن بر کاربرد نسبتهای مالی

اختلافات ریشه‌ای ناشی از تفاوت ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بین کشورها باعث شده است تا هر کشور دارای قوانین و مقررات حرفه‌ای حسابداری متناسب با ویژگیهای خاص خود باشد.

مجاز بودن حسابداران به انتخاب رویه‌های متفاوت حسابداری با توجه به قوانین و مقررات حرفه‌ای حسابداری هر کشور سبب می‌شود که ارزش داراییها، بدهیها و ارزش حقوق صاحبان سهام و سود دوره مالی کمتر یا بیشتر نشان داده شود، نتیجتاً از نظر مقایسه‌ای ممکن است «اندازه نسبتهای مالی» متکی به صورتهای مالی شرکتهای در کشورهای مختلف با یکدیگر فرق کند و دارای مفاهیم مختلف شود.

1- Generally Accepted Accounting Principles Model. (GAAP)

در این مقاله مواردی از اهم رویه‌های حسابداری کشورهای مختلف که نسبت‌های مالی را متفاوت می‌سازد مورد بررسی قرار گرفته و با مدل GAAP امریکا مقایسه می‌شود. مهمترین رویه‌های حسابداری که مورد بررسی قرار گرفته‌اند عبارتند از:

- ۱- رویه ارزش‌گذاری موجودی کالا<sup>۱</sup>
- ۲- رویه حسابداری برای سرمایه‌گذاری بلند مدت<sup>۲</sup>
- ۳- رویه ارزش‌گذاری دارایی ثابت و تجدید ارزیابی آن<sup>۳</sup>
- ۴- رویه اجاره دارایی بلند مدت<sup>۴</sup>
- ۵- رویه استهلاک دارایی ثابت<sup>۵</sup> و سرقتی و سایر دارایی‌های نامشهود<sup>۶</sup>
- ۶- رویه کنار گذاشتن وجوه بازنشستگی<sup>۷</sup> و سایر ذخایر
- ۷- رویه انتقال بدهی مالیاتی به سالهای آتی<sup>۸</sup>
- ۸- رویه به هزینه گذاشتن مخارج تحقیق و توسعه<sup>۹</sup>
- ۹- رویه به هزینه گذاشتن هزینه بهره<sup>۱۰</sup>
- ۱۰- رویه خرید سهام خزانه<sup>۱۱</sup> و به حساب گذاشتن سود و زیان مربوط به آن

---

2- Inventories

3- Long-term investments

4- Fixed Assets

5- Financial leases

6- Depreciation

7- Amortization

8- Pension fund contribution

9- Deferred taxes

10- Research & Development expense

11- Interest expense

12- Treasury stock

۱۱- رویه تبدیل معاملات به ارز خارجی<sup>۱۳</sup>

۱۲- رویه به حساب گذاشتن سود یا زیان حاصله از تسعیر ارز خارجی<sup>۱۴</sup>.

## امریکا

در حسابداری امریکا، تعداد بیشماری از رویه‌های قانونی مورد قبول حسابداری برای تعیین ارزش ارقام حسابداری وجود دارد. مهم‌ترین رویه‌های حسابداری که در تعیین ارزش ارقام حسابداری شرکت‌های امریکایی بکار برده می‌شود عبارتند از<sup>۱۵</sup>:

- استفاده زیاد از روش اولین صادره از آخرین وارده (لایفو) در اندازه‌گیری موجودی کالا.
- استفاده از روش بهای تمام شده برای سرمایه‌گذاری بلند مدت کمتر از ۲۰ درصد و استفاده از روش ارزش ویژه برای سرمایه‌گذاری بلند مدت بین ۲۰ تا ۵۰ درصد و استفاده از صورت‌های مالی تلفیقی برای سرمایه‌گذاری بلند مدت بیش از ۵۰ درصد.
- مجاز بودن تعیین ارزش دارایی با توجه به آثار تورم:

اندازه‌گیری دارایی در امریکا بر حسب بهای تمام شده اولیه انجام می‌شود ولی در سال ۱۹۷۹، هیأت استانداردهای حسابداری مالی (FASB) بیانیه شماره ۳۳ را با عنوان «گزارشگری مالی و تغییرات قیمت‌ها» صادر کرد که بعضی از شرکت‌های بزرگ را ملزم می‌ساخت که صورت‌های مالی تعدیل شده‌ای با توجه به تورم به همراه صورت‌های مالی تاریخی منتشر نمایند. این الزام در سال ۱۹۸۶ با صدور بیانیه شماره ۸۹، هیأت استانداردهای حسابداری مالی (FASB)<sup>۱۶</sup> خاتمه یافت. بدین معنی که الزامات مربوط به افشای آثار تورم و تغییرات قیمت‌ها برطرف شد و ارائه چنین اطلاعاتی به صورت داوطلبانه مورد تشویق قرار گرفت.<sup>۱۷</sup>

13- Foreign currency translation

14- Currency translation gains or losses

15- CHoi, & Mueller, International Accounting, 1984, PP. 74 - 75

16- Financial Accounting standards Board, (FASB)

۱۷- محمد عرب‌مازار یزدی، حسابداری تورمی و تأثیر آن بر تصمیم‌گیریهای اقتصادی، مجله

- مجاز بودن استفاده از انواع روش‌های استهلاک پذیرفته شده در مورد داراییها.
- مجاز بودن سرمایه‌ای کردن دارایی با اجاره بلند مدت.
- استهلاک سرقفلی تا حداکثر ۴۰ سال.
- مجاز بودن به کنار گذاشتن کل وجوه بازنشستگی کارکنان.
- مجاز بودن انتقال بدهی مالیاتی به سالهای بعد در مواقعی که سود مشمول مالیات با سود حسابداری یکی نیست.
- به هزینه منظور کردن کل مخارج تحقیق و توسعه در سال وقوع هزینه.
- به هزینه منظور نمودن هزینه بهره در همان سال وقوع (البته تحت شرایطی به شرکتها اجازه داده می‌شود که هزینه بهره را سرمایه‌ای کنند).
- مجاز بودن به خرید سهام خزانه و کسر کردن آن از ارزش حقوق صاحبان سهام در ترازنامه
- به حساب منظور نمودن سود یا زیان حاصل از سهام خزانه به حساب ارزش حقوق صاحبان سهام در ترازنامه.
- مجاز نبودن نگهداری ذخایر برای هدفهای کلی و استهلاک اضافی.
- مجاز بودن استفاده از روش موقتی (Temporal Method)<sup>۱۸</sup> در تبدیل معاملات به ارز خارجی.

## انگلستان

نوبل (Nobes) در سال ۱۹۸۸ مطالعه‌ای در مورد مقایسه صورتهای مالی دو کشور انگلستان و امریکا انجام داد. او در این مطالعه ۱۲ مورد تشخیص داد که قبل از مقایسه باید

---

بررسیهای حسابداری، شماره ۱ تابستان ۱۳۷۱، انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران، صفحات ۱۱۵-۱۱۴.

۱۸- روشی که در آن وجه نقد، در دریافتنی‌ها و پرداختنی‌ها و داراییها و بدهیهای ثبت شده به قیمت‌های جاری با نرخ تاریخ ترازنامه و داراییها و بدهیهای ثبت شده یا قیمت‌های تاریخی با نرخ زمان انجام مبادله مربوطه به ارز خارجی تسعیر می‌شوند.

اصلاح شوند تا امکان مقایسه بین صورتهای مالی شرکتهای انگلستان با شرکتهای امریکا باشد. این ۱۲ مورد عبارتند از<sup>۱۹</sup>:

۱- موجودیها: روش ارزشگذاری موجودی در امریکا بیشتر روش اولین صادره از آخرین وارده (لایفو) است ولی این روش در انگلستان بیشتر اولین صادره از اولین وارده می‌باشد. (فایفو)

۲- مالیات انتقالی به سال بعد: روش مالیات انتقالی به سال بعد در امریکا دارای مقررات کامل است و کلاً می‌تواند به سال بعد منتقل شود، در حالی که روش مالیات انتقالی به سال بعد در انگلستان خیلی جزئی است.

۳- نرخ معاملات ارز خارجی: حرفه حسابداری در انگلستان برای تبدیل معاملات ارز خارجی، بیشتر استفاده از نرخ زمان تهیه صورتهای مالی یا نرخ متوسط را مجاز می‌داند، در حالی که در امریکا علاوه بر نرخهای فوق در تبدیل معاملات ارز خارجی از نرخ تاریخ معامله دارایی هم استفاده می‌شود.

۴- دارایی ثابت: تجدید ارزیابی داراییها در انگلستان مجاز است ولی در امریکا اجازه داده نمی‌شود، البته تعیین ارزش دارایی در امریکا با توجه به آثار تورم به صورت داوطلبانه مجاز اعلام شده است.

۵- سرقتی: در شرکتهای انگلیسی به سرقتی کمتر ارزش داده می‌شود. در حالی که در شرکتهای امریکایی سرقتی به بهای تمام شده در دفاتر ثبت می‌شود و حداکثر در طول ۴۰ سال مستهلک می‌گردد.

۶- شرکتهای فرعی: صورتهای مالی تلفیقی شرکتهای امریکایی شامل همه شرکتهای فرعی می‌شود ولی صورتهای مالی تلفیقی شرکتهای انگلیسی شامل همه شرکتهای فرعی نمی‌شود.

---

19- Pauline Weetman & Sidney j, Gray, "A comparative international analysis of the impact of accounting principles on profits": The USA versus the UK, & etc, Accounting and Business Research Vol 21, No 84, PP. 363-379, 1991.

- ۷- تجمع منافع (Pooling): قواعد حسابداری در مورد ادغام شرکتهای امریکایی بیشتر رویه تجمع منافع است ولی در شرکتهای انگلیسی «روش خرید» می‌باشد.
- ۸- ارقام غیر مترقبه: رویه حسابداری در مورد سود یا زیان فروش یا واگذاری دارایی ثابت در امریکا نسبت به شرکتهای انگلیسی آزادی کمتری دارد.
- ۹- تقسیم سود: در شرکتهای امریکایی صورت تقسیم سود تهیه نمی‌شود ولی سود هر سهم محاسبه می‌شود در حالی که در شرکتهای انگلیسی صورت تقسیم سود تهیه می‌شود.
- ۱۰- سرمایه‌ای کردن مخارج بهره: در شرکتهای امریکایی مخارج بهره تحت شرایط ویژه‌ای می‌تواند سرمایه‌ای (Capitalize) شود در حالی که در شرکتهای انگلیسی کلاً این نوع هزینه به حساب هزینه همان سال منظور می‌شود.
- ۱۱- نفت و گاز: رویه‌های حسابداری در مورد شرکتهای نفت و گاز در بسیاری از موارد بین دو کشور فرق دارد.
- ۱۲- هزینه تحقیق و توسعه: رویه حسابداری در مورد هزینه تحقیق و توسعه در امریکا تاکید دارد که در همان سال باید به حساب هزینه گذاشته شود ولی در انگلستان این تاکید خیلی کمتر است و این نوع هزینه‌ها می‌توانند سرمایه‌ای شوند.
- نویز در مطالعه خود تشخیص داد که در ۱۱ مورد از ۱۲ مورد فوق در شرکتهای امریکایی نسبت به شرکتهای انگلیسی محافظه‌کاری بیشتری وجود دارد. تنها رویه امریکایی‌ها که در مقابل رویه انگلیسی‌ها از محافظه‌کاری کمتری برخوردار است مربوط به اندازه‌گیری سود از جهت سرمایه‌ای کردن بهره است. بنا بر این سود در شرکتهای انگلیسی در مقایسه با شرکتهای امریکایی باید بیشتر نشان داده شود.
- برای این که سود بین دو کشور قابل مقایسه باشد گری (Gray) در سال ۱۹۸۰ فرمولی به عنوان «معیار مقایسه» یا «شاخص محافظه‌کاری» به شرح زیر ارائه کرده است:<sup>۲۰</sup>

$$\text{سود اصلاح نشده انگلستان} - \text{سود اصلاح شده انگلستان با مدل KTAAP آمریکا} = ۱ - \frac{\text{شاخص محافظه کاری سود}}{\text{سود اصلاح شده انگلستان با مدل KTAAP آمریکا}}$$

اگر ارزش شاخص بیشتر از یک باشد به این معنی است که سود شرکتهای انگلیسی کمتر از سود شرکتهای امریکایی، محافظه کارانه می‌باشد.

اگر ارزش شاخص کمتر از یک باشد به این معنی است که سود شرکتهای انگلیسی، محافظه کارانه تر از سود شرکتهای امریکایی می‌باشد.

اگر ارزش شاخص درست برابر یک باشد نشان دهنده این است که دو روش با یکدیگر اختلافی ندارند.

همچنین اثر نسبی اصلاحات جزئی در رویه‌های متفاوت حسابداری را می‌توان بوسیله شاخصهای جزئی ساختاری طبق فرمول زیر محاسبه نمود:

$$\text{شاخص جزئی} = 1 - \frac{\text{اصلاحات جزئی}}{\text{سود شرکتهای امریکایی}}$$

برای مثال اگر سود شرکت انگلیسی ۱۲۰ پوند باشد و اصلاحات جزئی آن شامل مالیات انتقالی و استهلاک سرقفلی بشرح زیر باشد:

سود شرکت انگلیسی	۱۲۰ پوند
اصلاحات برای GAPP امریکا:	
مالیات انتقالی	(۱۵)
استهلاک سرقفلی	(۵)
سود اصلاح شده با مدل GAPP امریکا	۱۰۰

شاخص محافظه کاری سود و شاخص جزئی برای مالیات انتقالی و استهلاک سرقفلی طبق فرمولهای زیر محاسبه می‌گردد:

$$\text{شاخص محافظه کاری سود} = 1 - \frac{100 - 120}{100} = 1/2$$

در اینجا سود شرکت انگلیسی در مقایسه با شرکت امریکایی کمتر محافظه کارانه است، یعنی سود در شرکت انگلیسی بیشتر نشان داده می‌شود.

$$\text{در اینجا مالیات انتقالی} = 1 - \frac{-15}{100} = 1/15$$

در اینجا مالیات انتقالی به سالهای بعد در شرکت انگلیسی در مقایسه با شرکت امریکایی کمتر می‌باشد. تأثیر این رویه باعث می‌شود که سود در شرکت انگلیسی بیشتر نشان داده شود.

$$\text{استهلاک سرقفلی برای استهلاک سرقفلی} = 1 - \frac{-5}{100} = 1/05$$

استهلاک سرقفلی در شرکت انگلیسی در مقایسه با شرکت امریکایی کمتر می‌باشد بعبارت دیگر سود دوره در شرکتهای انگلیسی بیشتر نشان داده می‌شود.

### سوئد

بطور کلی رویه‌های حسابداری و گزارشگری مالی در سوئد منعکس کننده سیاستهای اقتصاد ملی است. پشتیبان این رویه‌ها، آن دسته از فعالیتهای مالیاتی است که توسط دولت به بخش خصوصی داده می‌شود.<sup>۲۱</sup>

در حسابداری سوئد داراییها بر مبنای بهای تمام شده تاریخی ثبت می‌شوند ولی تجدید ارزیابی داراییها مجاز است و معمولاً افزایش سطح عمومی قیمتها در صورتهای مالی منعکس نمی‌شود. مازاد تجدید ارزیابی نیز در یک حساب ذخیره تجدید ارزیابی ثبت می‌شود. استهلاک در بعضی از مواقع در دو سطح گزارش می‌شود یکی در صورت سود و زیان برای تعیین درآمد عملیاتی و دیگری به صورت ارقام انتقالی به ذخایر مخصوص یا برگردانده شده از آن. ارزش سرقفلی در شرکتهای سوئدی در یک دوره که بیش از ۱۰ سال نیست مستهلاک می‌شود. در سوئد شرکتهای ممکن است هزینه‌های تحقیق و توسعه را جزء هزینه‌های سرمایه‌ای حساب کنند اما تعداد کمی از آنها (به دلایل مالیاتی) چنین کاری را می‌کنند. اگر هزینه تحقیق و توسعه را جزء هزینه‌های سرمایه‌ای حساب کنند آن را در یک دوره حداکثر ۵ ساله مستهلاک می‌کنند. در سوئد بابت بدهی وجوه بازنشستگی مبلغی محاسبه نمی‌شود.

بدهی وجوه بازنشستگی اساساً در یادداشتهای ضمیمه مثل بدهیهای احتمالی افشاء می‌شود. روش تبدیل نرخ ارز خارجی در سوئد در مقایسه با شرکتهای امریکایی هم در روش محاسبه و هم در تبدیل نرخ ارز تفاوت دارد.<sup>۲۲</sup>

در تحقیقی که توسط آقای کوک (Cooke) در مورد اندازه‌گیری سود بین شرکتهای امریکایی و سوئدی انجام شده<sup>۲۳</sup>، معلوم گردیده است که در سوئد به علت نفوذ سیستم مالیاتی روی رویه‌های حسابداری، سود مشمول مالیات و سود حسابداری در شرکتهای سوئدی معمولاً یکی است ولی اختلاف بین این دو سود در شرکتهای امریکایی زیاد است.

یک اختلاف مهم مربوط به رویه حسابداری شرکتهای سوئدی در موارد وجود ذخایر غیر مالیاتی مانند ذخایر موجودیها، ذخایر حقوق و دستمزد، ذخایر بابت سرمایه‌گذاری شرکت در آینده، ذخایر بابت استهلاك سریع و ذخایر بلوکه شده در بانک سوئد می‌باشد. این ذخایر نشان دهنده این است که چه مبالغی برای هدفهای مالیاتی کنار گذاشته شده است. همچنین در شرکتهای سوئدی مالیات درآمدهای معوق اساساً تشخیص داده نمی‌شود. آقای کوک نتیجه گرفته است که بطور کلی اثر رویه‌های حسابداری شرکتهای سوئدی بر سود در مقایسه با اثر رویه‌های حسابداری شرکتهای امریکایی از محافظه‌کاری بیشتری برخوردار است. در نتیجه نسبت سودآوری شرکتهای سوئدی در مقایسه با شرکتهای امریکایی کمتر نشان داده می‌شود.<sup>۲۴</sup>

برای تجزیه و تحلیل مقایسه‌ای صورتهای مالی شرکتهای سوئدی و امریکایی در سال ۱۹۸۰ توسط انستیتو حسابداران رسمی سوئد (FAR) دستورالعملی برای تهیه صورتهای مالی که قابل مقایسه با صورتهای مالی تهیه شده بر مبنای مدل GAAP امریکا باشد تهیه شد.<sup>۲۵</sup>

22- Op Cit, PP. 89-91.

23- Pauline Weetman & Sidney J, Gray, Op Cit, P. 364.

24- Op Cit, P. 364.

25- Choi & Mueller, Op Cit, P. 90.

## فرم اصلاحات سود و ارزش حقوق صاحبان سهام شرکت‌های سوئدی با شرکت‌های امریکائی

اصلاحات	شرح
سود خالص	سود خالص یا ارزش حقوق صاحبان
ارزش حقوق صاحبان سهام	سهام گزارش شده در صورت‌های مالی
xx	اصلاحات:
	ذخایر غیر مالیاتی:
	اضافه می‌شود بمیزان ۴۵ درصد به اقلام
xx	ترازنامه
	اضافه یا کسر می‌شود بمیزان ۴۳ درصد
xx	انتقال سالیانه به یا از ذخایر
	وجوه بازنشستگی تأمین نشده:
xx	کسر می‌شود ۴۳ درصد مبلغ تأمین نشده
	سهام مشارکت در شرکت‌های تلفیقی:
	اضافه می‌شود ارزش حقوق صاحبان سهام
xx	در سود توزیع نشده سالیانه
	اضافه می‌شود ارزش حقوق صاحبان سهام
xx	در سود توزیع نشده انباشته
	سود یا زیان از تغییرات مانده‌های انتقالی به سال بعد:
	اضافه یا کسر می‌شود مبلغ ۴۳٪ سود یا زیان
xx	تغییرات مانده‌های انتقالی به سال بعد
xx	xx
xx	xx

در سوئد نسبت سودآوری به سه روش زیر محاسبه می شود<sup>۲۶</sup>:

۱- نرخ سودآوری اسمی، ۲- نرخ سودآوری واقعی، ۳- سود هر سهم

۱- نرخ سودآوری اسمی شامل دو قسمت است:

$$\text{سود عملیاتی بعد از درآمد و هزینه مالی و پس از کسر ۵۰٪ مالیات} = \frac{\text{نسبت بازده حقوق صاحبان سهام - الف}}{\text{متوسط حقوق صاحبان سهام}}$$

این نرخ معمولاً جهت محاسبه سود هر سهم بکار برده می شود، محاسبه متوسط حقوق صاحبان سهام بشرح زیر است:

مالیات - ذخایر + ارزش ویژه محدود نشده + ارزش ویژه محدود شده = متوسط حقوق صاحبان سهام

$$\text{متوسط حقوق صاحبان سهام آخر دوره} = \frac{\text{متوسط حقوق صاحبان سهام اول دوره}}{۲} = \text{متوسط حقوق صاحبان سهام در طول دوره}$$

$$\text{سود عملیاتی قبل از درآمد و هزینه مالی} = \frac{\text{جمع مانده ترازنامه پس از کسر بدهیهای عملیاتی}}{\text{نسبت سودآوری اسمی به کل سرمایه - ب}}$$

۲- نرخ سودآوری واقعی

این نرخ از فرمول زیر بدست می آید:

$$\text{سود عملیاتی قبل از هزینه مالی و پس از کسر افزایش سطح عمومی قیمت ها و استهلاک اضافی} = \frac{\text{نرخ سودآوری واقعی}}{\text{متوسط سرمایه}}$$

۳- سود هر سهم - سود هر سهم از نسبت زیر بدست می آید:

$$\text{سود هر سهم} = \frac{\text{سود عملیاتی پس از کسر مالیات}}{\text{متوسط تعداد سهام}} = \text{سود هر سهم}$$

## ژاپن

در ژاپن، انتخاب رویه های حسابداری توسط حسابداران برای تهیه گزارشهای مالی تحت تأثیر قانون تجارت و قوانین مالیاتی است.<sup>۲۷</sup> مهمترین رویه های حسابداری در ژاپن برای تعیین ارزش ارقام حسابداری عبارتند از<sup>۲۸</sup>:

- ارزش موجودی کالا در پایان دوره با استفاده از روشهای متفاوت ارزشیابی مجاز است.

- تعیین ارزش دارایی با توجه به آثار تورم مجاز نیست.

26- Choi & Mueller, Op Cit, PP. 104-105.

27- Choi, & Mueller, Op Cit, P. 84.

28- Op Cit, PP. 85-86.

- روشهای استهلاک دارایی در ژاپن تابع قانون مالیات است.
- سرمایه‌ای کردن دارایی با اجاره بلند مدت مجاز نیست.
- نگهداری ذخایر برای هدفهای کلی اجازه داده می‌شود.
- سرقتی در صورتیکه خریداری شده باشد مستهک می‌گردد.
- کنار گذاشتن مزایای وجوه بازنشستگی بر مبنای داوطلب بودن کارکنان مجاز است.
- انتقال بدهی مالیاتی به سالهای بعد موقعی که سود حسابداری با سود مشمول مالیات یکی نیست، مجاز است. این رویه در مقایسه با رویه شرکتهای امریکایی خیلی جزئی نگر است.
- مخارج تحقیق و توسعه به حساب هزینه همان سال وقوع گذاشته می‌شود که در مقایسه با رویه حسابداری شرکتهای امریکایی فرقی ندارد.
- خرید سهام خزانه با توجه به مقررات تجارتي ژاپن ممنوع است (باستثنای چند مورد مانند حذف سهام یا ترکیب شرکت، هنگامی که سهام خزانه در شرکت وجود دارد که تحت عنوان یک دارایی با بهای تمام شده نشان داده می‌شود). این رویه در مقایسه با رویه امریکایی متفاوت است.
- تقسیم سود بر حسب ارزش اسمی بیان می‌شود و توزیع سود سهام از محل مازاد سود تقسیم نشده و ذخایر قانونی می‌تواند انجام شود و پاداش هیأت مدیره از محل مازاد سود تقسیم نشده پرداخت می‌گردد. این رویه حسابداری با رویه‌های حسابداری در شرکتهای امریکایی فرق دارد.
- رویه حسابداری برای ثبت سرمایه‌گذاری در سهام عادی شرکتهای فرعی بین ۲۰ تا ۵۰ درصد مالکیت، در شرکتهای ژاپنی از روش ارزش ویژه استفاده می‌شود که با رویه حسابداری شرکتهای امریکایی در این مورد فرقی ندارد.
- در تحقیقی که پیرامون اندازه‌گیری سود در شرکتهای امریکایی و ژاپنی انجام شده است معلوم گردیده<sup>۲۹</sup> که نسبت سودآوری شرکتهای ژاپنی در مقایسه با شرکتهای امریکایی کمتر است. دلیل این امر آن است که در ژاپن مدیران به سود کوتاه مدت علاقه‌مند نبوده و بیشتر در

فکر سود دراز مدت هستند. با توجه به سیاست فروش بیشتر در شرکتهای ژاپنی رقابت قیمت میان این شرکتها زیاد است که نتیجه آن کمتر بودن نسبتهای سودآوری در شرکتهای ژاپنی است. متوسط این نسبت ( $\frac{\text{سود خالص}}{\text{متوسط ارزش ویژه خالص}}$ ) در شرکتهای ژاپنی ۱/۷٪ در مقابل ۱۳/۹٪ مربوط به شرکتهای امریکایی می‌باشد.

جدول مقایسه‌ای میانگین نسبتهای مالی بین شرکتهای امریکائی و ژاپنی<sup>۳۰</sup>

نسبت	شرکتهای امریکائی	شرکتهای ژاپنی	افزایش یا کاهش نسبت
نسبت جاری = $\frac{\text{دارایی جاری}}{\text{بدهی جاری}}$	۱ تا ۱/۹	۱ تا ۱/۱	۴۰٪ افزایش
تعداد دفعات برگشت = $\frac{\text{بهای تمام شده کالای فروش رفته}}{\text{متوسط موجودی کالا در سال}}$	۶/۸ مرتبه	۵ مرتبه	۲۶٪ کاهش
مدت دوره دریافت = $\frac{\text{متوسط مانده بدهکاران}}{\text{فروش روزانه}}$	۴۳ روز	۸۶ روز	۱۰۲٪ کاهش
نسبت بدهی = $\frac{\text{جمع بدهی}}{\text{کل دارایی}}$	۴۷٪	۸۴٪	۷۷٪ کاهش
نسبت پوشش بهره = $\frac{\text{سود قبل از کسر بهره و مالیات}}{\text{هزینه بهره}}$	۶/۵ مرتبه	۱/۶ مرتبه	۷۵٪ افزایش
نسبت سود به فروش = $\frac{\text{سود خالص}}{\text{فروش}}$	۵/۴٪	۱/۳٪	۷۴٪ افزایش
نسبت بازده کل دارایی = $\frac{\text{سود قبل از کسر بهره و مالیات}}{\text{متوسط کل دارایی}}$	۷/۴٪	۱/۲٪	۸۴٪ افزایش
نسبت بازده ارزش ویژه = $\frac{\text{سود خالص}}{\text{متوسط ارزش ویژه خالص}}$	۱۳/۹٪	۷/۱٪	۴۹٪ افزایش

۳۰- ارقام نسبتهای مالی ذکر شده در این مقاله بین شرکتهای امریکایی و ژاپنی از جدول ۶-۸ صفحه ۳۰۹ کتاب Choi & Mueller, Op Cit, P. 309 اقتباس شده است.

## آلمان

انتخاب رویه‌های حسابداری در آلمان تحت تأثیر شدید قوانین مالیاتی، قانون تجارت و قانون شرکتهای سهامی است. رویه‌های حسابداری در آلمان غیر قابل انعطاف و بسیار محافظه کارانه است و درک صورتهای مالی شرکتهای آلمانی برای استفاده کنندگان خارجی به علت قواعد و الزامات خاص قانونی حسابداری دشوار است<sup>۳۱</sup>. در حسابداری آلمان داراییهای ثابت به بهای تمام شده خرید یا بهای تمام شده تولید منهای استهلاک انباشته ارزشیابی می‌شوند. روش استهلاک داراییها تا حدود زیادی تحت تأثیر مقررات مالیاتی است و شامل روش خط مستقیم و روش نزولی می‌باشد.

در حسابداری آلمان هزینه بهره در سال وقوع کلاً به حساب هزینه منظور می‌شود و سرمایه‌ای محسوب نمی‌گردد. همچنین در مواقعی که ارزش دارایی در بازار کاهش پیدا می‌کند برای آن استهلاک مخصوص در نظر گرفته می‌شود. هزینه جایگزینی در حسابداری آلمان زیاد اهمیت ندارد، این امر احتمالاً به دلیل کم بودن نرخ تورم در این کشور است. موجودیها معمولاً به روش میانگین موزون یا روش اولین صادره از اولین وارده (فایفو) ارزشیابی می‌شوند، (چون قانون مالیات آلمان این روشها را در جهت هدفهای مالیاتی خود مجاز دانسته است).

در حسابداری آلمان ارزش موجودیها در ترازنامه به علت اصل محافظه‌کاری باید به حداقل نشان داده شود. (یعنی استفاده از روش اقل بهای تمام شده یا ارزش بازار در حسابداری آلمان مجاز است). در حسابداری آلمان داراییهای غیر مشهود فقط اگر از اشخاص ثالث خریداری شده باشد سرمایه‌ای می‌شود مانند سرقتی خریداری شده که برابر قانون مالیات سال ۱۹۸۶ حداکثر ظرف ۱۵ سال مستهلاک می‌شود، در حسابداری آلمان همه بدهیها شامل زیانهای تحقق نیافته بطور کامل شناسایی و در دفاتر ثبت می‌شوند. در این کشور شرکتهای فرعی زیاد مورد توجه قرار نمی‌گیرند.

31- Fouad K. Ainajjas & William H. vol.y., The status of accounting and its Environment in West Germany, the international journal of accounting, January, 1991, P. 115.

در حسابداری آلمانی وجود ذخایر مخفی را قانون مجاز دانسته و حتی مورد تشویق قرار داده است. قانون برقراری اندوخته جهت استهلاک مطالبات مشکوک الوصول و هرگونه ریسک دیگر طلبکاران شرکت را مورد حمایت قرار می‌دهد. در آلمان سودهای تحقق نیافته نباید شناسایی و در دفاتر ثبت گردند. همین طور امکان دارد که به دلیل وجود هزینه جایگزینی داراییها براساس هدفهای مالیاتی، استهلاکات زیادتری به حساب منظور شود. قانون آلمان شرکتها را مجاز دانسته است ذخایر مخصوصی هم برای افزایش قیمت موجودیها و سود معوق نگهداری کنند. همچنین ذخایر دیگری برای جلوگیری از ریسک و زیانهای حاصله از عملیات اکتشاف و حفاری مربوط به نفت و گاز نگهداری می‌شود.<sup>۳۲</sup>

اگر مقایسه‌ای بین رویه‌های حسابداری کشورهای آلمان و امریکا انجام شود، مشاهده می‌شود که در حسابداری آلمان به علت استفاده از روش اولین صادره از اولین وارده (فایفو) در ارزشیابی موجودیها و به هزینه منظور نمودن هزینه بهره و مستهلک کردن سرقفلی در مدت زمان کمتر نسبت به شرکتهای امریکایی (که از روش اولین صادره از آخرین وارده (لایفو) برای ارزشیابی موجودی کالا استفاده می‌کنند و مجازند که هزینه بهره را سرمایه‌ای کنند) تحت شرایط معین، ارزش دارایی شرکتهای آلمانی نسبت به شرکتهای امریکایی کمتر نشان داده می‌شود. طبعاً کم و زیاد شدن ارزش دارایی باعث تغییر در سود دوره و نسبتهای مالی شرکتهای مشابه در دو کشور می‌شود. با توجه به اختلافات ذکر شده می‌توان گفت نسبت سودآوری شرکتهای آلمانی در مقایسه با شرکتهای امریکایی کمتر است. در این مورد دستورالعملی برای محاسبه سود اصلاح شده به وسیله دست اندرکاران حرفه حسابداری آلمان صادر شده است که برای مطالعه بیشتر می‌توان به صفحات ۳۱۵ و ۳۱۶ کتاب حسابداری بین‌المللی تألیف Mueller, Choi مراجعه نمود.<sup>۳۳</sup>

32- Foud K. Ainajjar, Op Cit, PP. 104-115.

33- Choi, & Mueller, Op Cit PP. 83-84.

## فرانسه

انتخاب رویه‌های حسابداری در فرانسه تحت تأثیر قانون تجارت و چارت عمومی حسابها (برنامه حسابداری) و قوانین مالیاتی است.<sup>۳۴</sup>

در حسابداری فرانسه کلیه داراییها بر مبنای بهای تمام شده تاریخی ثبت می‌شوند ولی قانون سوم ژانویه ۱۹۸۵ تا حدودی به شرکتها اجازه داده است که بر صورتهای مالی تلفیقی خودشان اثرات تورم را هم با استفاده از شاخص عمومی قیمتها و هم با روش ارزش جاری به صورت متمم اصلاح شده ارائه نمایند.

مازاد یا کاهش تجدید ارزیابی به حساب ذخایر جداگانه در حساب حقوق صاحبان سهام منتقل می‌شود. مازاد تجدید ارزیابی نمی‌تواند برای جذب زیانهای عملیاتی یا توزیع سود استفاده شود. در حسابداری فرانسه هزینه بهره وام موقعی که مربوط به ایجاد ساختمان یا تولید داراییهای ثابت یا موجودی کالا باشد، سرمایه‌ای می‌شود که در این مورد با رویه حسابداری آلمان اختلاف دارد و با رویه حسابداری امریکا مشابه است.

در حسابداری فرانسه اجاره‌های بلند مدت، حق اختراع، حق امتیاز، حقوق علائم تجاری و موارد مشابه در طول عمر مفید مستهلک می‌شوند، اما سرقفلی در یک دوره ۵ تا ۲۰ ساله مستهلک می‌شود. این رویه‌ها در حسابداری فرانسه بیشتر مشابه رویه‌های حسابداری در امریکاست.

همچنین در حسابداری فرانسه مخارج تحقیق و توسعه در همان سال وقوع به حساب هزینه منظور می‌شود اما در مواردی هم می‌تواند سرمایه‌ای شود مثلاً موقعی که برای کالاهای بخصوصی یا فرآیند بخصوصی بکار برده شود که در این صورت حداکثر در یک دوره ۵ ساله مستهلک می‌شود. این رویه بیشتر مشابه رویه حسابداری در انگلستان است و با رویه حسابداری در امریکا فرق دارد.

در حسابداری فرانسه تعهدات وجوه بازنشستگی در آینده ممکن است به عنوان یک بدهی تشخیص داده شود. البته الزام خاصی برای چنین تشخیصی در قانون وجود ندارد. در این

مورد روشهای مختلف برای تأمین مخارج وجوه بازنشستگی توسط هیأت‌های حرفه‌ای حسابداری در فرانسه ارائه شده است که شرکتها مجاز به استفاده از آن روشها می‌باشند اما در هر حال اندوخته بازنشستگی برای هدفهای مالیاتی قابل کسر نیست. این رویه با رویه حسابداری امریکا تفاوت دارد.<sup>۳۵</sup>

اگر مقایسه‌ای بین رویه‌های حسابداری در فرانسه و امریکا شود مشاهده می‌گردد که رویه‌های حسابداری در فرانسه مانند آلمان غیر قابل انعطاف و خیلی محافظه کارانه است. نتیجتاً نسبت سودآوری شرکت‌های فرانسوی در مقایسه با شرکت‌های امریکایی کمتر می‌شود.

## ایتالیا

انتخاب رویه‌های حسابداری در ایتالیا تحت تأثیر قانون مدنی و قوانین مالیاتی است. در حسابداری ایتالیا،<sup>۳۶</sup> ارزش کلیه داراییهای ثابت بر طبق مقررات قانون مدنی بر مبنای بهای تمام شده تاریخی ثبت می‌شوند ولی بر طبق قوانین جدید که در سال ۱۹۸۲ به تصویب رسید شرکتها با ضرایب مخصوصی با توجه به آمارهای تورم می‌توانند داراییها را تجدید ارزیابی نمایند. این مازاد مشمول مالیات قرار نمی‌گیرد. مازاد فوق یا برای افزایش ارزش ویژه حقوق صاحبان سهام بکار می‌رود و یا زیانهای قبلی شرکت را جبران می‌کند که این مورد با رویه حسابداری در فرانسه فرق دارد. استهلاک با توجه به قوانین مالیاتی محاسبه می‌شود. در حسابداری ایتالیا مخارج تحقیق و توسعه در سال وقوع حداکثر تا ۵۰ درصد جزء هزینه دوره منظور می‌شود و از سود مشمول مالیات کسر می‌شود. این رویه حسابداری در ایتالیا با امریکا فرق می‌کند. همچنین در حسابداری ایتالیا ارزش حق اختراع و علائم تجاری به بهای تمام شده در دفاتر ثبت می‌شوند و حداکثر در یک دوره ۵ ساله مستهلاک می‌شوند که در مقایسه با همین رویه در شرکت‌های امریکایی فقط در زمان استهلاک با هم تفاوت دارند. شرکت‌های ایتالیایی ارزش دارایی غیر مشهود را در مقایسه با شرکت‌های امریکایی در مدت کمتری

35- Befec, Mulquin, Op Cit, PP. 25-45.

36- Mashe, Hagigi and Andrea, Financial statements analysis of italian companies, PP. 234-251.

مستهلك می‌کنند. همین طور در حسابداری ایتالیا هزینه‌های اجاره بلند مدت به عنوان اجاره عملیاتی ثبت می‌شود که این رویه با رویه حسابداری امریکا تفاوت دارد. برای ارزش موجودیها قانون مدنی کشور قاعده ذیل را اعلام نموده است:

برای ارزشیابی مواد اولیه و کالای ساخته شده باید از روش اقل بهای تمام شده تولید یا قیمت خرید و ارزش خالص واقعی استفاده شود. اما برای ارزشیابی کالای در جریان آخر دوره از متوسط بهای تمام شده که در دوره مالیاتی اتفاق افتاده است استفاده می‌شود. همینطور در حسابداری ایتالیا ضرورت تأمین اجتماعی ملی برای کارمندان و کارفرمایان وجود دارد که شرکتها باید برای آنها ذخایر لازم را در نظر بگیرند.

در تحقیقی که پیرامون شرکتهای ایتالیایی و امریکایی انجام شده از سه نسبت سودآوری زیر استفاده شده است.<sup>۳۷</sup>

- ۱- نسبت بازده به ارزش حقوق صاحبان سهام Return on equity (ROE)
  - ۲- نسبت نرخ بازده داراییها Return on assets (ROA)
  - ۳- نسبت سود نهایی به فروش Profit Margin (PM)
- اختلاف این نسبتها ناشی از اختلاف در رویه‌های حسابداری در دو کشور می‌باشد. شرکتهای ایتالیایی نوعاً هزینه بهره مربوط تأمین منابع مالی را سرمایه‌ای می‌کنند. در نتیجه ارزش موجودیها و دارایی گزارش شده در دو کشور دارای اختلاف است و بالطبع بر نسبتهای سودآوری اثر دارد.
- اختلاف دیگر مربوط به اختلاف قوانین مالیاتی در دو کشور است. به شرکتهای امریکایی اجازه داده می‌شود که زیانها را جلو یا عقب بیاندازند. در حالیکه به شرکتهای ایتالیایی چنین اجازه‌ای داده نشده است. همین عامل باعث شده که شرکتهای ایتالیایی جریان سود خود را برای دوره‌های متفاوت یکنواخت کنند.
- اختلاف دیگر مربوط به نسبت پوشش بهره ثابت است که در شرکتهای ایتالیایی مقدار آن به علت تأمین منابع مالی از طریق وامهای بانکی نسبت به شرکتهای مشابه امریکایی کمتر است.

اختلاف این نسبت در حال حاضر به علت گسترش بورس اوراق بهادار در ایتالیا کمتر شده است.

- اختلاف دیگر مربوط به نسبت برگشتی موجودی کالا است که در حال حاضر این اختلاف به علت پیشرفتهای تکنولوژی در شرکتهای ایتالیایی کمتر شده است.

- نسبتهای نقدینگی در دو کشور با یکدیگر اختلاف چندانی ندارند و علت این است که در سالهای انجام تحقیق مزبور سودآوری در شرکتهای هر دو کشور افزایش پیدا کرده است.

- اختلاف دیگر مربوط به توزیع سود در شرکتهای ایتالیایی است چون سرمایه‌گذاران ایتالیایی ترجیح می‌دهند که سودشان در شرکت باقی بماند و مجدداً سرمایه‌گذاری شود در حالیکه سرمایه‌گذاران شرکتهای امریکایی مایلند سود خود را دریافت کنند.

- اختلاف دیگر مربوط به قوانین مالیاتی است که در شرکتهای ایتالیایی وابستگی زیادتری به سودآوری شرکت دارد. دلیل این امر نرخ بالاتر برای سطوح بالاتر سود در شرکتهای ایتالیایی است.

بطور کلی نسبت بازده به ارزش حقوق صاحبان سهام و نسبت نرخ بازده داراییها بطور با اهمیتی تحت تأثیر آن دسته از رویه‌های حسابداری است که برای اندازه‌گیری داراییها، بدهیها و تعیین سودبکاربرده شده‌اند و نسبت سوم بیشتر بستگی به فاکتورهای اقتصادی دارد.<sup>۳۸</sup>

## ایران

انتخاب رویه‌های حسابداری در ایران تحت تأثیر قوانین مالیاتی و قانون تجارت و سیستم حسابداری غرب (بخصوص امریکا و انگلستان) می‌باشد. در حسابداری ایران شرکتهای مجازند که در تهیه صورتهای مالی از انواع روشهای ارزش موجودی کالا و استهلاك استفاده کنند ولی از نظر هدفهای مالیاتی روشهای استهلاك تابع قوانین مالیاتی است. معمولاً شرکتهای روشهای استهلاك دارایی خود را بر مبنای قانون مالیاتها محاسبه می‌کنند. در حسابداری ایران تحت شرایطی اجازه تجدید ارزیابی داراییها داده می‌شود.

روش تجدید ارزیابی را قانون مشخص می‌کند.<sup>۳۹</sup> در حسابداری ایران برای به هزینه منظور نمودن یا سرمایه‌ای کردن مخارج تحقیق و توسعه و بهره و یا سود تضمین شده و قراردادهای اجاره بلند مدت، محاسبات تغییرات نرخ ارز در مبادلات خارجی رویه مشخصی وجود ندارد. شرکتها در این مورد از رویه‌های مختلف استفاده می‌کنند. علت مشخص نبودن رویه‌های حسابداری، فقدان اصول و موازین پذیرفته شده حسابداری در ایران است. در حال حاضر، طبق قانون، هیأت تدوین استانداردهای حسابداری وابسته به سازمان حسابرسی مشغول تدوین اصول و موازین و استانداردهای حسابداری در ایران است.

### مقایسه انتخاب رویه‌های حسابداری در ۸ کشور و تأثیر آن در کاربرد نسبت‌های مالی

اگر مجاز بودن حسابداران به انتخاب رویه‌های حسابداری بین کشور آمریکا و سایر کشورها مقایسه شود، مشاهده خواهیم کرد قوانین و مقررات حرفه حسابداران در انتخاب رویه‌های حسابداری در آمریکا خیلی جزئی‌نگرتر از بقیه کشورهاست. در آمریکا، توده‌ای از قواعد، دستورالعملها، توصیه‌ها و پیشنهادات، استانداردها، اصول متداول و قبول شده حسابداری وجود دارد. مثلاً قوانین و مقررات حرفه حسابداری در آمریکا اندازه‌گیری موجودی کالا به روش لایفو (Lifo) را اجازه داده و قواعد مخصوصی در مورد اتحاد منافع شرکتها و معاملات ارز خارجی وجود دارد، سرمایه‌ای کردن دارایی با اجاره بلند مدت مجاز است و الزاماتی قابل اندازه‌گیری در مورد جوه بازنشستگی وجود دارد که در سایر کشورها این رویه‌ها کمتر مشاهده می‌شود.

در این قسمت اثر رویه‌های حسابداری، در ۸ کشور (به صورت جدول)<sup>۴۰</sup> بطور مقایسه‌ای

۳۹- طی برنامه پنجساله اول فقط شرکت‌های دولتی برای یک بار می‌توانند تا سقف زیانهای انباشته نسبت به تجدید ارزیابی داراییهای خود اقدام نمایند.

۴۰- این جدول از جدول شماره ۲-۳ صفحات ۷۶-۷۴ کتاب Choi, Mueller, Op Cit, PP.

74-76 اقتباس شده است.

ارائه شده است. در تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی، این رویه‌ها در مقایسه با مدل GAPP امریکا مقایسه شده است تا طرز کاربرد نسبت‌های مالی از دیدگاه یک سرمایه‌گذار بالقوه خارجی (مثلاً امریکایی) مشخص شود.

در این جداول می‌توان مشاهده کرد که تمام کشورها از اصل بهای تمام شده در اندازه‌گیری داراییها و از رویه اقل بهای تمام شده یا بازار برای ارزش‌گذاری موجودی کالا استفاده می‌کنند و تعداد زیادی از کشورها مخارج تحقیق و توسعه را در سال وقوع هزینه به حساب منظور می‌کنند و تعداد خیلی کمی، آن را سرمایه‌ای می‌کنند.

در بعضی از حالتها، رویه‌های حسابداری در امریکا در مقایسه با ۷ کشور دیگر یک رویه متفاوت است مانند سرمایه‌ای کردن اجاره بلند مدت دارایی، روش اتحاد منافع در ادغام شرکتها و رویه خرید سهام خزانه و کسر کردن آن از حقوق صاحبان سهام و به حساب منظور نمودن سود یا زیان حاصل از تغییر ارز در سود سال جاری و مجاز نبودن تجدید ارزیابی دارایی ثابت. نتیجه اینکه مجاز بودن حسابداری به انتخاب انواع رویه‌های حسابداری در شرکتهای امریکایی باعث می‌شود که نسبت‌های سودآوری آنها در مقایسه با اکثر کشورهای فوق‌الذکر که در انتخاب رویه‌های حسابداری محدودیتهای قانونی دارند، بیشتر نشان داده شود.

زردیف	رویه حسابداری	امریکا	انگلستان	سوئد	ژاپن	آلمان	فرانسه	ایتالیا	ایران
۱	ارزش‌گذاری موجودی کالا (با روش اقل قیمت تمام شده یا بازار)	بلی (۱)	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی
۲	ارزش موجودی کالا به روش فایفو (FIFO)	مختلط (۵)	بلی	بلی	مختلط	بلی	مختلط	مختلط	مختلط
۳	حسابداری برای سرمایه‌گذاری بلندمدت کمتر از ۲۰ درصد با استفاده از روش قیمت تمام شده	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی
۴	حسابداری برای سرمایه‌گذاری بلندمدت بین ۲۱ تا ۵۰ درصد با استفاده از روش ارزش ویژه	بلی	بلی	نه (۶)	نه (۶)	نه (۶)	بلی (۲)	بلی	بلی
۵	حسابداری برای سرمایه‌گذاری بلندمدت بیش از ۵۰ درصد با استفاده از روش تلفیقی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی
۶	آیا همه شرکت‌های فرعی داخلی و خارجی در صورت‌های تلفیقی آورده می‌شوند؟	بلی	بلی (۲)	بلی	بلی	نه (۳)	بلی	بلی	بلی
۷	آیا ادغام شرکت‌ها طبق روش اتحاد منافع انجام می‌شود؟	بلی	نه (۹)	نه (۹)	نه (۹)	نه (۹)	نه (۹)	نه (۹)	نه (۹)

جدول مقایسه‌ای رویه‌های حسابداری در ۸ کشور

ردیف	رویه حسابداری	امریکا	انگلستان	سوئد	ژاپن	آلمان	فرانسه	ایتالیا	ایران
۸	آیا تجدید ارزیابی دارایی ثابت اجازه داده می‌شود؟	نه	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	نه (۳)
۹	آیا از روش استهلاک خط مستقیم تبعیت می‌شود؟	بلی	بلی	بلی	مختلط	مختلط	مختلط	مختلط	مختلط
۱۰	آیا سرقتی مستهک می‌شود؟	بلی	نه (۳)	بلی	بلی	نه	بلی	بلی	بلی
۱۱	آیا دارایی نامشهود غیر از سرقتی مستهک می‌شوند؟	بلی	نه (۳)	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی	بلی
۱۲	آیا اجاره دارایی بلندمدت سرمایه‌ای می‌شود؟	بلی	نه	نه	نه	نه	نه	نه	نه
۱۳	آیا بدهی مالیات به سالهای بعد منتقل می‌شود؟ (موقعی که سود حسابداری با سود مشمول مالیات یکی نیست)	بلی	بلی	نه	بلی	بلی	بلی	بلی	پیدا نشد (۴)
۱۴	آیا مخارج وجوه بازنستگی از صورتهای مالی کنار گذاشته می‌شود؟	بلی	بلی	بلی	بلی	نه	بلی	بلی	بلی
۱۵	آیا خرید سهام خزانه از حقوق صاحبان سهام کسر می‌شود؟	بلی	پیدا نشد (۴)	پیدا نشد (۴)	نه	نه	بلی	نه	نه

جدول مقایسه‌ای رویه‌های حسابداری در ۸ کشور

ردیف	رویه حسابداری	امریکا	انگلستان	سوئد	ژاپن	آلمان	فرانسه	ایتالیا	ایران
۱۶	آیا سود و زیان حاصل از سهام خزانه به حساب حقوق صاحبان سهام برده می‌شود؟	بلی	پیدا نشد (۴)	پیدا نشد (۴)	نه	نه	بلی	نه	نه
۱۷	آیا مخارج تحقیق و توسعه در سال وقوع به حساب هزینه منظور می‌شود؟	بلی	نه	بلی (۲)	بلی	بلی	بلی	نه	پیدا نشد
۱۸	آیا هزینه بهره سرمایه‌های می‌شود؟	نه (۳)	نه	پیدا نشد	پیدا نشد	نه	نه (۳)	بلی	پیدا نشد
۱۹	آیا صورت‌های مالی با توجه به آثار تورم اصلاح می‌شوند؟	بلی	نه	نه	نه	نه	نه (۳)	نه	نه
۲۰	آیا استهلاک اضافی اجازه داده می‌شود؟	نه	بلی	بلی	نه	نه	بلی	نه	نه
۲۱	آیا در معاملات ارز خارجی از روش موقتی (Temporal M.) استفاده می‌شود؟	بلی	نه (۷)	نه (۸)	مختلط	نه (۷)	نه (۷)	بلی	پیدا نشد
۲۲	آیا سود یا زیان حاصل از تسعیر ارز در سود سال جاری برده می‌شود؟	بلی	نه	مختلط	مختلط	مختلط	مختلط	مختلط	مختلط

جدول مقایسه‌ای رویه‌های حسابداری در ۸ کشور

## توضیحات

۱- بلی<sup>(۱)</sup> نشان دهنده رویه حسابداری غالب در آن کشور می‌باشد. ۲- بلی<sup>(۲)</sup> نشان دهنده رویه حسابداری تعدیل شده می‌باشد اما هنوز آن رویه در آن کشور غالب می‌باشد. ۳- نه<sup>(۳)</sup> نشان دهنده رویه اقلیت است. ۴- پیدا نشد (NF) نشان دهنده این است که آن رویه حسابداری در آن کشور پیدا نشده است. ۵- مختلط (Mixed) نشان دهنده این است که در آن کشور از انواع رویه‌های حسابداری استفاده می‌شود. ۶- نه<sup>(۶)</sup> نشان دهنده این است که آن رویه حسابداری با استفاده از روش بهای تمام شده انجام می‌شود. ۷- نه<sup>(۷)</sup> نشان دهنده این است که رویه حسابداری در معاملات ارز خارجی روش نرخ جاری است. ۸- نه<sup>(۸)</sup> نشان دهنده این است که آن رویه حسابداری به معاملات پولی و غیرپولی تقسیم می‌شود. ۹- نه<sup>(۹)</sup> نشان دهنده این است که در آن کشور «روش خرید» غالب است.

## اصطلاحات

روش اتحاد منافع (Pooling):

«اتحاد منافع» هنگامی واقع می‌شود که شرکت اصلی، سهام عادی خود را در قبال کلیه یا بخش عمده سهام عادی شرکت فرعی صادر و واگذار می‌کند. سهامداران شرکت فرعی به سهامداران شرکت اصلی تبدیل می‌شوند زیرا سهام خود را در شرکت فرعی با سهام شرکت اصلی مبادله کرده‌اند. سرمایه‌گذاری در شرکت فرعی، بوسیله شرکت اصلی بر مبنای ارزش دفتری خالص داراییهای شرکت فرعی ثبت می‌شود و ارزش داراییها افزایش نمی‌یابد و سرقفلی نیز شناسائی نمی‌گردد. در این روش، به دلیل این که خرید یا فروش واقع نشده است، در صورتهای مالی تلفیقی، مانده حسابهای دو شرکت بر مبنای ارزشهای دفتری، ترکیب می‌شود.

روش خرید:

اگر یک شرکت سهامی، داراییها یا سهام عادی شرکتی دیگر را خریداری کند، حسابداری ترکیب واحدهای تجاری به «روش خرید» انجام می‌گیرد. هنگامی که خرید انجام می‌شود. صاحبان سهام شرکت فرعی حقوق خود را از دست می‌دهند و شرکت اصلی حقوقی در

شرکت فرعی تحصیل می‌کند. سهامداران شرکت فرعی که سهام خود را فروخته‌اند، حقوقی در شرکت فرعی یا واحد تجاری تلفیقی ندارند.  
روش ارزش ویژه:

روش «ارزش ویژه» برای حسابداری سرمایه‌گذارهای بلند مدت، بر این فرض مبتنی است که سرمایه‌گذار بر عملیات شرکت سرمایه‌پذیر نفوذ یا کنترل قابل ملاحظه دارد. سرمایه‌گذاری، بدواً بر مبنای بهای تمام شده ثبت می‌شود اما باید به میزانی مساوی درصد تملک سهام عادی ضرب در ارزش دفتری ثبت شده به وسیله شرکت سرمایه‌پذیر تعدیل گردد. اگر بهای تمام شده مساوی درصد ارزش دفتری مزبور نباشد، مازاد بهای تمام شده نسبت به ارزش دفتری یا مازاد ارزش دفتری نسبت به بهای تمام شده باید طی مدتی که از ۴۰ سال تجاوز نمی‌کند مستهلک گردد.

### اختلاف در ساختار تأمین منابع مالی شرکتها و تأثیر آن در کاربرد نسبت‌های مالی

ساختار تأمین منابع مالی شرکتها در هر کشور نسبت به کشور دیگر فرق دارد، همین تفاوت باعث کاربرد متفاوت نسبت‌های مالی می‌شود. در ذیل چند مورد از این قبیل موارد اختلاف در ساختار تأمین منابع مالی شرکتها به صورت نمونه بین شرکت‌های امریکایی و ژاپنی و ایتالیایی و ایرانی مورد بررسی قرار می‌گیرد: در ژاپن قسمت اعظم سرمایه شرکتها توسط وام بانکها تأمین می‌گردد. تحت این شرایط الزاماً، نسبت کم پوشش بهره در شرکت‌های ژاپنی (متوسط این نسبت در ژاپن ۶/۵ مرتبه می‌باشد)<sup>۴۱</sup> ریسک شرکت را نشان نمی‌دهد لذا مقدار این نسبت در مقایسه با شرکت‌های امریکائی (۱/۶ مرتبه) زیاد نگران کننده نیست.

همین طور در ژاپن یک بانک به ندرت شرکت را بخاطر تأخیر وام تحت فشار قرار داده یا جریمه می‌کند و به جای آن نوعاً بازپرداخت را زیاد و یا بعضاً وام را تجدید می‌کند. حتی در

۴۱- ارقام نسبت‌های مالی ذکر شده بین شرکت‌های ژاپنی و امریکایی در این قسمت از

جدول صفحه ۱۸ همین مقاله می‌باشد.

بانکهای «وام و اعتبار» مشاورینی هستند که مشکلات شرکتها را در امور مالی برطرف می‌کنند. بنابراین با توجه به تأخیر انداختن بهره و اصل وام در شرکت‌های ژاپنی، طبیعی است که نسبت بدهی شرکت‌های ژاپنی در مقایسه با شرکت‌های امریکایی که تأمین منابع مالی آنها اکثراً از طریق بورس اوراق بهادار می‌باشد زیادتر و نسبت جاری کمتر باشد. نسبت کمتر در شرکت‌های ژاپنی به علت تجدید شدن وام‌های کوتاه مدت توسط بانکهاست. (متوسط نسبت جاری در شرکت‌های ژاپنی ۱/۱ بوده ولی در مقابل متوسط شرکت‌های امریکایی ۱/۹ است.) نتیجتاً بدهی کوتاه مدت در ژاپن بیشتر شبیه وام بلند مدت در کشورهای دیگر است.<sup>۴۲</sup>

بیشتر منابع مالی مورد نیاز شرکتها در ایتالیا هم از طریق وام بانکی تأمین می‌شود. نتیجتاً نسبت بدهی شرکت‌های ایتالیایی در مقایسه با شرکت‌های امریکایی زیادتر نشان داده می‌شود. میزان این اختلاف در سالهای اخیر به علت فعالیت بورس اوراق بهادار و قانون سال ۱۹۷۳ در ایتالیا که مالیات سالیانه بمیزان ۲۵ درصد روی ارزش حقوق صاحبان سهام را ملغی کرد، کمتر شده است. (چون قبلاً مالکین از طریق محدود کردن ارزش حقوق صاحبان سهام و افزایش تأمین مالی از طریق وام، مالیات کمتری را به دولت می‌پرداختند).

تأمین منابع مالی شرکتها در ایران در سالهای گذشته (قبل از بازگشایی بورس اوراق بهادار) بیشتر از طریق وام بانکی بوده است ولی در سالهای اخیر به علت فعالیت بورس اوراق بهادار این امر در تأمین منابع مالی نقش کمتری یافته است.

بنابر این سرمایه‌گذار خارجی در موقع تصمیم‌گیری خرید سهام شرکت خارجی علاوه بر تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی موارد فوق را هم باید در نظر بگیرد.

## اختلاف در متغیرهای محیط تجارت و

### تأثیر آن بر کاربرد نسبت‌های مالی

عوامل نهادی، فرهنگی و محیطی جامعه نیز موجب تفاوت‌هایی در نسبت‌های مالی می‌شوند بدون اینکه الزاماً ویژگی‌های اساسی اندازه‌گیری فعالیت‌های مالی را تغییر دهند. به چند مورد از

این قبیل موارد اختلاف در محیط تجارت شرکت‌های امریکایی و ژاپنی و سایر کشورها اشاره می‌کنیم:

روش فروش در شرکت‌های ژاپنی با شرکت‌های امریکایی اختلاف دارد. چون رشد فروش در شرکت‌های ژاپنی بعنوان یک هدف اولیه است. لذا مدیران عقیده دارند که اگر سهم بازار را بتوانند افزایش دهند سودآوری در درازمدت مطمئن‌تر خواهد بود. علاوه بر این فروش بیشتر به استخدام بیشتر و اطمینان شغلی بیشتر کمک می‌کند و این امر با سنت «استخدام برای تمام عمر» در شرکت‌های ژاپنی سازگارتر است. لذا با توجه به سیاست فروش بیشتر، شرکت‌های ژاپنی درگیر رقابت قیمت و بدست آوردن مشتری زیادترند و نتیجتاً نسبت‌های سودآوری آنها کمتر و مدت وصول مطالبات زیادتر می‌شود. (متوسط نرخ سودآوری در شرکت‌های ژاپنی ۷/۱ درصد در مقابل ۱۳/۹٪ شرکت‌های امریکایی است همچنین متوسط مدت وصول مطالبات در شرکت‌های ژاپنی ۸۶ روز در مقابل ۴۳ روز شرکت‌های امریکایی است.)<sup>۴۳</sup> لذا در شرکت‌های ژاپنی فروش به ندرت نقدی انجام می‌شود و به جای آن چک‌های مدت‌دار با سررسید بین ۶۰ تا ۹۰ روز دریافت می‌شود. این خط مشی سبب می‌شود تا شرکت‌ها اغلب مشتریان بیشتری در دراز مدت پیدا کنند. همچنین سیاست استخدام تمام عمر کارکنان در شرکت‌های ژاپنی باعث شده که نسبت برگشت موجودی کالا (بهای تمام‌شده کالای فروش‌رفته) متوسط موجودی آنها ۶/۸ مرتبه در مقابل ۵ مرتبه شرکت‌های امریکایی باشد یعنی تفاوت ۱/۸ مرتبه‌ای وجود دارد. این امر نشان دهنده این است که کارگران شرکت‌های ژاپنی چون بطور تمام مدت عمر در استخدام شرکت می‌باشند در ساعات اضافی برای اینکه بیکار نمانند، شروع به تولید می‌کنند و تولیدات را در انبار نگهداری می‌کنند تا آن کالاها در زمان مقتضی به فروش برسد.

اختلاف محیطی دیگر مربوط به اختلاف قوانین مالیاتی در کشورهای مختلف است. مثلاً به شرکت‌های ایالات متحده امریکا اجازه داده می‌شود که زیانها را جلو یا عقب بیاندازند، در حالیکه به شرکت‌های ژاپنی چنین اجازه‌ای داده نمی‌شود. همین عامل باعث گردیده که

---

۴۳- ارقام نسبت‌های مالی ذکر شده بین شرکت‌های ژاپنی و امریکایی در این قسمت از

جدول صفحه ۱۸ همین مقاله استخراج شده است.

شرکتهای ژاپنی جریان سود خود را برای دوره‌های متفاوت یکنواخت کنند. همینطور قانون مالیات در کشورهای فرانسه، آلمان و ایتالیا نسبتاً تأثیر بیشتری بر رویه‌های حسابداری دارد. مثلاً در آن کشورها شرکتها نمی‌توانند ذخایری را تحت یک روش حسابداری در دفاتر ثبت کنند و بطور متفاوت آن را جهت هدفهای مالیاتی گزارش کنند.

- اختلاف دیگر مربوط به اثر پیشرفت‌های تکنولوژی است که استفاده بیشتر از پیشرفت‌های تکنولوژیک باعث کاهش نسبت برگشتی موجودی کالا می‌شود.

- اختلاف دیگر مربوط به توزیع سود و نگاهداری سهام نزد دارندگان آنهاست. مثلاً سرمایه‌گذاران ژاپنی ترجیح می‌دهند که سودشان در شرکت باقی بماند و مجدداً سرمایه‌گذاری شود، در حالیکه سرمایه‌گذاران شرکت‌های امریکایی مشتاقند که سود حاصله را دریافت کنند و سهام خودشان را هر موقع که تمایل داشتند در بورس اوراق بهادار معامله نمایند. در مقابل، سهام شرکت‌های ژاپنی برای مدت زیادتری نزد دارندگان آنها (بانک‌های تجاری، عرضه‌کنندگان کالا، مشتریان شرکت) نگاهداری می‌شود که همین امر باعث گردیده که سهامداران بیشتر در فکر سود دراز مدت باشند تا کوتاه مدت.

بنابر این سرمایه‌گذار خارجی در موقع تصمیم‌گیری خرید سهام شرکت خارجی علاوه بر تجزیه و تحلیل نسبت‌های مالی به عوامل و متغیرهای محیط تجاری کشور مورد نظر نیز باید توجه داشته باشد.

### خلاصه و نتیجه

به طور کلی در این مقاله اختلاف در قوانین و مقررات حاکم بر حرفه حسابداری و مجاز بودن حسابداران به انتخاب رویه‌های حسابداری و ساختار تأمین منابع مالی شرکتها و فاکتورهای محیطی در ۸ کشور مورد بررسی قرار گرفت و با مدل GAAP امریکا مقایسه شد و تأثیر آنها در کاربرد نسبت‌های مالی از دیدگاه یک سرمایه‌گذار بالقوه خارجی (مثلاً امریکایی) مشخص گردید. در این مقاله مقایسه‌ای که از نسبت‌های مالی بین مؤسسات تولیدی ژاپنی با مؤسسات مشابه آن در امریکا انجام گرفت اختلاف‌های زیر را مشخص نمود:

شرکتهای ژاپنی معمولاً نسبت‌های نقدینگی کمتر، توانایی پرداخت کمتر، کارایی کمتر و

سودآوری کمتری نسبت به نسبت‌های مشابه در شرکتهای امریکایی دارند. قسمت اعظم این اختلافات مربوط به استفاده از رویه‌های متفاوت حسابداری در دو کشور بوده و قسمت دیگر مربوط به ساختار تأمین منابع مالی شرکتها و فاکتورهای محیطی است. اختلافات نوع اول را می‌توان از طریق تهیه صورتهای مالی بر اساس فرمت کشور خود تا حدود زیادی مشاهده نمود ولی اختلافات دوم را باید با توجه به ساختار تأمین منابع مالی شرکت و فاکتورهای محیطی کشور مربوطه مورد بررسی قرار داد.

خلاصه این که اگر سرمایه‌گذار خارجی بخواهد در مورد ریسک و بازده یک شرکت خارجی به نحو مطلوب تصمیم‌گیری کند ابتدا باید صورتهای مالی شرکت خارجی را بر اساس شکل صورتهای مالی کشور خود تهیه کند تا امکان مقایسه نسبتها وجود داشته باشد. (یک نمونه از نحوه اصلاحات جهت سود ویژه و ارزش حقوق صاحبان سهام شرکتهای سوئدی با شرکتهای امریکایی در متن مقاله ارائه گردید). همچنین می‌تواند از فرمول ارائه شده گری (GRAY) در مورد شاخص محافظه‌کاری سود استفاده کند. سرمایه‌گذار باید علاوه بر استفاده از نسبت‌های مالی از اطلاعات دیگری مانند وضعیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور مربوط، وضع مؤسسات اعتباری و مالی کشور مربوط، موقعیت محیطی شرکت، وضع صنعت کشور و روند اقتصادی شرکت و عوامل دیگری که می‌تواند آثار قابل توجهی بر سودهای آتی شرکت داشته باشند، استفاده کند. سرمایه‌گذار باید نتایج مربوط به سنوات گذشته شرکت را در تحلیلهای خود وارد کرده و بر اساس یک دوره بلند مدت‌تر متناسب با شرایط داخلی و خارجی شرکت قضاوت کند. به عبارت دیگر او در تجزیه و تحلیل باید بر سود بالقوه بلند مدت شرکت نیز تأکید داشته باشد.

بنا بر این برای نتیجه‌گیری آیا می‌توان گفت شرکتهای ژاپنی در مقایسه با شرکتهای امریکایی، دارای کارایی و سودآوری کمتر و ریسک بیشتر هستند؟ پاسخ به این سؤال این است که الزاماً نه، به خصوص موقعی که تجزیه تحلیل نسبت‌های مالی با توجه به ساختار تأمین منابع مالی و فاکتورهای محیطی انجام شود.

## فهرست منابع و مآخذ

## الف - کتابها

- 1- Chol, Frederick D. S. & Gerfard G. Mueller, International Accounting, 1984, chapters 3, 8.
- 2- Mulquin, Befec, The accounting profession in France, AICPA, 1988 , PP. 25 - 45.

## ب - مجله‌ها

- 1- Pauline Weetman & Sidney j. Gray, Acomparative International analysis of the impact of accounting principles on profits: The USA versus the uk, sweden and the Netherlands, Accounting and Business Research vol 21 . NO 84, PP. 363 - 379, 1991.
- 2- Ainajjar, fauad k. & William H. volg, The status of Accounting and its Environment in West Germany: An overview, The International journal of Accounting, january, 1991, PP. 104-115.
- 3- Bloom, Robert & M. A Naciri, Accounting standard setting and culture: A comparative analysis of he united states, canada, England, West Germany, Australia, New Zealand, Sweden, Japan and switzerland, The International journal of Accounting, November 21, 1989, PP . 70 - 97.
- 4- Moshe, Hagigi and Andrea sponga, financial statement Analysis of Italian companies: Accounting practices, Environmental factors, and international corporate performance comparisons, The International of journal of Accounting, september 1990, PP . 234 - 251.
- 5- Hudack , Lawrence R. and Larry L. orisini A Note caution to users of japanese financial Reports: A Demonstration of an Enlarged exogeinst approach, The International journal of Accounting september 1991; PP. 15 - 25.